

چهل حدیث قال امام العسکری (علیه السلام):



1- پرهیز از جدال و شوخی

«لا ثمار فيذهب بهاؤك ولا ثمازح فيجتراً عليك.»:

جدال مکن که ارزشت می‌رود و شوخی مکن که بر تو دلیر شوند.

2- تواضع در نشستن

«من رضى بدون الشرف من المجلس لم يزل الله و ملائكته يصلون عليه حتى يقوم.»:

هر که به پایین نشستن در مجلس خشنود باشد، پیوسته خدا و فرشته‌ها بر او رحمت فرستند تا برخیزد.

3- هلاکت در ریاست و افشاگری

«دع من ذهب يميناً و شمالاً، فإن الراعى يجمع غنمه جمعها بأهون سعى و إياك و الأذاعة و طلب الرياسة، فإنهما يدعوان إلى الهلكة.»:

آن که را به راست و چپ رود و گذار! به راستی چوپان، گوسفندان را به کمتر تلاشی گرد آورد. مبدا اسرار را فاش کرده و سخن پراکنی کنی و در پوریاست باشی، زیرا این دو، آدمی را به هلاکت می‌کشانند.

4- گناهی که بخشوده نشود

«من الذنوب التي لا تغفر: لئيتي لا أواخذ إلا بهذا. ثم قال: الأشرار في الناس أخفى من دبيب النمل على المسح الأسود في الليلة»

از جمله گناهایی که آمرزیده نشود این است که [آدمی] بگوید: ای کاش مرا به غیر از این گناه مواخذه نکنند. سپس فرمود: شرک در میان مردم از جنبش مورچه بر روپوش سیاه در شب تار نهانتر است.

5- نزدیکتر به اسم اعظم

«بسم الله الرحمن الرحيم أقرب إلى اسم الله الأعظم من سواد العين إلى بياضها.»:

«بسم الله الرحمن الرحيم» به اسم اعظم خدا، از سیاهی چشم به سفیدی‌اش نزدیکتر است.

6- دوستی نیکان و دشمنی بدان

«حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلأَبْرَارِ، وَ حُبُّ الْفَجَّارِ لِلأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلأَبْرَارِ، وَ بُغْضُ الْفَجَّارِ لِلأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلأَبْرَارِ، وَ بُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفَجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفَجَّارِ.»:

دوستی نیکان به نیکان، ثوابست برای نیکان. و دوستی بدان به نیکان، فضیلت است برای نیکان. و دشمنی بدان با نیکان، زینت است برای نیکان. و دشمنی نیکان با بدان، رسوایی است برای بدان.

7- سلام نشانه تواضع

«مِنَ التَّوَاضُعِ أَلْسَلَامٌ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ، وَ الْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ.»:

از جمله تواضع و فروتنی، سلام کردن بر هر کسی است که بر او می‌گذری، و نشستن در پایین مجلس است.

8- خنده بیجا

«مِنَ الْجَهْلِ الضَّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَب.»:

خنده بیجا از نادانی است.

9- همسایه بد

«مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهْرَ جَارٌ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْقَاهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا.»:

از بلاهای کمرشکن، همسایه ای است که اگر کردار خوبی را ببیند نهانش سازد و اگر کردار بدی را ببیند آشکارش نماید.

10- پندی گویا و جامع

« مَرْضَاهُمْ وَ ادْوَا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعَ فِي دِينِكُمْ وَ الْأَجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ انْتَمَيْتُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ. فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي عَشَائِرِهِمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عَوَدُوا خَلْفَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ: هَذَا شِيعِي فَيَسْرُنِي ذَلِكَ. إِتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حَسَنٍ فَحَنُّ أَهْلُهُ وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ.»:

لناحق في كتاب الله و قرابة من رسول الله و تطهير من الله لا يدعيه أحد غيرنا إلا كذاب. أكثروا ذكر الله و ذكر الموت و تلاوة القرآن و الصلاة على النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) فإن الصلاة على رسول الله عشر حسنات، إحتفظوا ما وصيتمكم به و أستودعكم الله و أقرأ عليكم السلام.»:

شما را به تقوای الهی و پارسایی در دینتان و تلاش برای خدا و راستگویی و امانتداری درباره کسی که شما را امین دانسته - نیکوکار باشد یا بدکار - و طول سجود و حسن همسایگی سفارش می‌کنم. محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) برای همین آمده است. در میان جماعت های آنان نماز بخوانید و بر سر جنازه آنها حاضر شوید و مریضانشان را عیادت کنید. و حقوقشان را ادا نمایید، زیرا هر يك از شما چون در دینش پارسا و در سخنش راستگو و امانتدار و خوش اخلاق با مردم باشد، گفته می‌شود: این يك شیعه است، و این کارهاست که مرا خوشحال می‌سازد. تقوای الهی داشته باشید، مایه زینت باشید نه زشتی،

تمام دوستی خود را به سوی ما بکشانید و همه زشتی را از ما بگردانید، زیرا هر خوبی که درباره ما گفته شود ما اهل آنیم و هر بدی درباره ما گفته شود ما از آن به دوریم. در کتاب خدا برای ما حقی و قرابتی از پیامبر خداست و خداوند ما را پاک شمرده، احدی جز ما مدعی این مقام نیست، مگر آن که دروغ می‌گوید. زیاد به یاد خدا باشید و زیاد یاد مرگ کنید و زیاد قرآن را تلاوت نمایید و زیاد بر پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سلام و تحیت بفرستید. زیرا صلوات بر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ده حسنه دارد. آنچه را به شما گفتم حفظ کنید و شما را به خدا می‌سپارم، و سلام بر شما.

11- اندیشه در کار خدا

«لَيْسَتِ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ.»:

عبادت کردن به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه [حقیقت] عبادت، زیاد در کار خدا اندیشیدن است.

12- پلیدی خشم

«الغضبُ مفتاحُ كلِّ شرٍّ.»:

خشم و غضب، کلید هر گونه شرّ و بدی است.

13- ویژگی های شیعیان

«شيعتنا الفئة الناجية والفرقة الزاكية صاروا لنا رادئا وصوننا وعلى الظلمة ألبا و عوننا سيفجر لهم ينابيع الحيوان بعد لظى مجتمع النيران أمام الروضة.»:

پیروان ما، گروه های نجات یابنده و فرقه های پاکی هستند که حافظان [آیین] مايند، و ایشان در مقابل ستمکاران، سپر و کمکار ما [هستند]. به زودی چشمه های حیات [منجی بشریت] بعد از گدازه توده های آتش! پیش از ظهور برای آنان خواهد جوشید.

14- ناآرامی کینه توز

«أقلُّ الناس راحة الحفود.»:

کینه توز ، ناآرامترین مردمان است.

15- پارساترین مردم

«أورعُ الناس من وقف عند الشبهة، أعبدُ الناس من أقام على الفرائض أزهّدُ الناس من ترك الحرام، أشدُّ الناس اجتهادا من ترك الذنوب.»:

پارساترین مردم کسی است که در هنگام شبهه توقف کند. عابدترین مردم کسی است که واجبات را انجام دهد. زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک نماید. کوشنده ترین مردم کسی است که گناهان را رها سازد.

16- وجود مؤمن

«المؤمن بركة على المؤمن و حجة على الكافر.»:

مؤمن برای مؤمن، برکت و بر کافر، اتمام حجت است.

17- محصول اعمال

«إنكم في آجال منقوصة و أيام معدودة و الموت يأتي بغتة، من يزرع خيرا يحصد غبطة و من يزرع شرا يحصد ندامة، لكل زارع ما زرع لا يسبق بطيء بحظه، و لا يترك حريص ما لم يقدر له، من أعطى خيرا فالله أعطاه، و من وقى شرا فالله وقاه.»:

شما عمر کاهنده و روزهای برشمرده ای دارید، و مرگ به ناگهان می‌آید، هر کس تخم خیری بکارد به خوشی بدرود، و هر کس تخم شرّی بکارد به پشیمانی بدرود. هر که هر چه بکارد همان برای اوست. کُنْدکَار را بهره از دست نرود و آژمند آنچه را مقدرش نیست در نیابد، هر که به خیری رسد خدایش داده، و هر که از شرّی رهد خدایش رهانده.

18- شناخت احمق و حکیم

«قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ وَ فَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ.»:

قلب احمق در دهان او و دهان حکیم در قلب اوست.

19- تلاش برای رزق مقدر

«لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَقْرُوضٍ.»:

رزق و روزی ضمانت شده، تو را از کار واجب باز ندارد.

20- عزتِ حقگرای

«مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلًّا، وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلًا إِلَّا عَزًّا.»:

هیچ عزیزی حق را رها نکند، مگر آن که ذلیل گردد و هیچ ذلیلی به حق نیاویزد، مگر آن که عزیز شود.

21- دوست نادان

«صَدِيقُ الْجَاهِلِ تَعَبٌ.»:

دوست نادان، مایه رنج است.

22- بهترین خصلت

«خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْأَيْمَانُ بِاللَّهِ وَ نَفْعُ الْأَخْوَانِ.»:

دو خصلت است که بهتر و بالاتر از آنها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران.

23- نتیجه جسارت بر پدر

«جُرْأَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُوهُ إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ.»:

جرات و دلیری فرزند بر پدرش در کوچکی، سبب عاق و نارضایتی پدر در بزرگی می‌شود.

24- بهتر از حیات و بدتر از مرگ

«خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاةِ مَا إِذَا فَقْدَتْهُ أَبْغَضْتَ الْحَيَاةَ وَ شَرٌّ مِنَ الْمَوْتِ مَا إِذَا نَزَلَ بِكَ أَحْبَبْتَ الْمَوْتَ.»:

بهتر از زندگی چیزی است که چون از دستش دهی، از زندگی بدت آید، و بدتر از مرگ چیزی است که چون به سرت آید مرگ را دوست بداری.

25- وابستگی و خواری

«مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تُكُونَ لَهُ رَعْبَةً تُذَلُّ.»:

چه زشت است برای مؤمن، دل بستگی به چیزی که او را خوار دارد.

26- نعمت بلا

«ما مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا.»:

هیچ بلایی نیست، مگر این که در آن از طرف خدا نعمتی است.

27- اکرام بدون افراط

«لَا تُكْرَمِ الرَّجُلَ بِمَا يُشَقُّ عَلَيْهِ.»:

هیچ کس را طوری اکرام مکن که بر او سخت گذرد.

28- ارزش پند پنهان

«مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ.»:

هر که در نمان، برادر خود را پند دهد او را آراسته، و هر که آشکارا برادرش را پند دهد او را کاسته.

29- تواضع و فروتنی

«التَّوَّاضِعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا.»:

تواضع و فروتنی، نعمتی است که بر آن حسد نبرند.

30- سختی تربیت نادان

«رِيَاضَةُ الْجَاهِلِ وَ رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنِ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِز.»:

پرورش دادن نادان و ترك دادن معتاد از عادتش، مانند معجزه است.

31- شادی بیجا

«لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْقَرَحِ عِنْدَ الْمُخْزُون.»:

اظهار شادی نزد غم‌دیده، از بی ادبی است.

32- جمال ظاهر و باطن

«حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ.»:

صورت نیکو، زیبایی ظاهری است، و عقل نیکو، زیبایی باطنی است.

33- کلید تمام گناهان

«جَعَلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جَعَلَ مِفْتَاحَهُ الْكُذِبَ.»:

تمام پلیدی ها در خانه ای قرار داده شده و کلید آن دروغ‌گویی است.

34- چشم پوشی از لغزش و یادآوری احسان

«خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ وَ ذَكَرَ إِحْسَانَكَ إِلَيْهِ.»:

بهترین برادران تو کسی است که خطاییت را نادیده گیرد و احسانت را یادآور شود.

35- مدح نالایق

«مَنْ مَدَحَ غَيْرَ الْمُسْتَحَقِّ فَقَدْ قَامَ مَقَامَ الْمُنْهَمِ.»:

هر که نالایقی را ثنا گوید، خود در موضع اتهام قرار گیرد.

36- راه دوست یابی

«مَنْ كَانَ الْوَرَعَ سَجِيَّةً، وَالْكَرَمَ طَبِيعَةً، وَالْحِلْمَ خُلَّةً كَثُرَ صَدِيقُهُ.»:

کسی که پارسایی خوی او، و بخشندگی طبیعت او، و بردباری خصلت او باشد دوستانش بسیار شوند.

37- انس با خدا

«مَنْ أَنَسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ.»:

کسی که با خدا مأنوس باشد، از مردم گریزان گردد.

38- خرابی مناره ها و کاخ ها

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَنَائِرِ وَالْمَقَاصِيرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ.»:

هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، دستور به خرابی مناره ها و کاخ های مساجد دهد.

39- نماز شب، سیر شبانه

«إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ.»:

وصول به خداوند عزوجل، سفری است که جز با عبادت در شب حاصل نگردد.

40- ادبی پسندیده

«كَفَاكَ أَدَبًا تَجَبُّبُكَ مَا تَكْرَهُ مِنْ غَيْرِكَ.»:

در مقام ادب برای تو همین بس که آنچه برای دیگران نمی پسندی، خود، از آن دوری کنی.